

Analysis of the right to health education and treatment from the perspective of the Qur'an, Iranian and international law

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Seyyed Mohammad Reza Nikasa
Hasan Movassaghi *
Ayat Molaei
Nasser Rahbar Farshpira
Mohammad Mohammadzadeh Asl

How to cite this article

Seyyed Mohammad Reza Nikasa, Hasan Movassaghi, Ayat Molaei, Nasser Rahbar Farshpira, Mohammad Mohammadzadeh Asl. Analysis of the right to health education and treatment from the perspective of the Qur'an, Iranian and international law, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(4): 13-24.

1. Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (corresponding author).
3. Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
4. Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
5. Department of Law, Tasouj Branch, Islamic Azad University, Iran, Tasouj, Iran.

* Correspondence:
Email: movassaghi@iaut.ac.ir

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this research is to examine and analyze the right to health education based on Quranic evidence, Iranian and international law.

Materials and Methods: This research was conducted with the method of library studies and in a descriptive-analytical way, which was obtained and analyzed by referring to the Holy Quran and legal evidence.

Findings: The right to benefit from the highest attainable standard of health and hygiene is described as a fundamental right that is very important for the realization and enjoyment of other rights and freedoms. Although this right belongs to the second generation of human rights in terms of content, it is closely related to other generations of human rights. The right to health encompasses a wide range of rights, each of which plays an undeniable role in its realization. Therefore, the availability of healthy drinking water, sufficient and nutritious food, clean environment, etc. are considered to be the essence of human health. In addition to this issue, having the right to life without having physical and mental health will be meaningless. This fact is evidence for the claim that "all examples of human rights are mutually dependent, inseparable and related." The realization of the highest standard desired by Article 12 of the Covenant of Economic, Social and Cultural Rights will take on the color of reality in light of the application of the maximum economic and technical facilities and through a necessarily gradual process of achievement. Therefore, the degree of realization and benefit of this right has direct links with the level of economic and social growth and development of a country. Knowing this fact, the Covenant of Economic and Social Rights requires the member states to increase their capacities and capabilities by benefiting from international economic and technical cooperation with each other in order to improve the benefit of this right. Therefore, the education of health and treatment issues, which is the prelude to fulfilling the right to health and treatment, should also be taken into consideration. In Iranian law, the second and thirtieth principles of the constitution emphasize the right to education. And in Article 29 of the Constitution of J.A., the right to health and treatment has been emphasized. Islam has recognized the right to health by establishing the concept of "hygiene", "preventive medicine" and similar concepts. From the point of view of the Holy Quran, health is so important and valuable in the teachings of the Quran and Islam that the first devotional book of Islamic jurisprudence begins with purity, and the issue of purity of the body and soul is considered one of the most important goals of its teachings. A question tries to pay attention to the special importance of health and by awakening a person's conscience, to make him realize its value. Therefore, he asks him if the ugliness is equal to the purity. According to the Qur'an, clean and healthy food and compatibility of things with human nature is a basic condition in the productivity of earthly products, and man should only use clean and healthy things. (Baqarah verse 168)

Conclusion: The right to health is one of the recognized rights for humans from the perspective of the Holy Quran and Iranian and international law. Realization of the highest standard desired by the covenant requires spending the maximum resources available to governments and over time. Realization of this standard is considered a big challenge for governments, considering the foundations that determine whether we count for health.

Keywords: right to health, right to education, human rights, Quran, Iranian law, international law

تحلیل حق آموزش بهداشت و درمان از منظر قرآن،

حقوق ایران و بین الملل

سید محمدرضا نیک آسا

گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز ایران.

حسن موثقی *

گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسؤل).

آیت مولایی

گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

ناصر رهبرفرش پیرا

گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

محمد محمدزاده اصل

گروه حقوق، واحد تسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تسوج، ایران.

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش آن است که حق آموزش بهداشت و درمان را با تاکید بر ادله قرآنی، حقوق ایران و بین الملل مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به قرآن کریم و ادله حقوقی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: حق بهره‌مندی از عالی‌ترین استاندارد قابل حصول سلامتی و بهداشت به عنوان حقی بنیادین توصیف می‌شود که برای تحقق و بهره‌مندی از سایر حق‌ها و آزادی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. هرچند این حق به لحاظ محتوا، به نسل دوم حقوق بشر تعلق دارد، لیکن ارتباطی نزدیک با سایر نسل‌های حقوق بشری دارد. حق بر سلامتی، طیف وسیعی از حق‌ها را گرد هم آورده است که هر کدام نقشی انکارناپذیر در تحقق آن ایفا می‌کنند. براین اساس، برخورداری از آب آشامیدنی سالم، غذای کافی و مقوی، محیط زیست پاک و... مقوم ذات سلامتی انسان به شمار می‌روند. در کنار این مسئله، برخورداری از حق حیات بدون برخورداری از سلامتی جسم و روان بی معنا خواهد بود. همین واقعیت شاهدهی براین مدعاست که «کلیه‌ی مصادیق حقوق بشر، متقابلاً به هم وابسته، غیرقابل تفکیک از هم و مرتبط به هم می‌باشند.» تحقق عالی‌ترین استاندارد مورد نظر ماده‌ی ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پرتو به کارگیری حداکثر امکانات اقتصادی و فنی و طی روندی ضرورتاً تدریجی‌الوصول، رنگ واقعیت به خود خواهد گرفت. از این‌رو میزان تحقق و بهره‌مندی از این حق، رابطه‌ای

مستقیم با سطح رشد و توسعه-یافتگی اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی با علم به این واقعیت، از دولت‌های عضو می‌خواهد تا با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی و فنی با یکدیگر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را جهت ارتقا میزان بهره‌مندی از این حق افزایش دهند. از این‌رو آموزش مسائل بهداشتی و درمانی که مقدمه ایفای و استیفای حق بهداشت و درمان می‌باشد نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در حقوق ایران نیز اصول دوم و سی ام قانون اساسی در خصوص حق بر آموزش تاکید دارد. در اصل ۲۹ قانون اساسی ج.ا.ا نیز حق برخورداری از بهداشت و درمان مورد تاکید قرار گرفته است. اسلام، حق بر بهداشت را با پایه‌ریزی مفهوم «حفظ الصحة»، «طب پیشگیری» و مفاهیمی از این قبیل، به رسمیت شناخته است. از منظر قرآن کریم بهداشت در آموزه‌های قرآن و اسلام آنچنان از اهمیت و ارزش برخوردار است که نخستین کتاب عبادی فقه اسلامی با طهارت آغاز می‌شود و مسئله طهارت بدن و روح و روان از مهم‌ترین اهداف آموزه‌های آن شمرده می‌شود قرآن در آیه ۱۰۰ سوره مائده با طرح سؤالی می‌کوشد تا به اهمیت ویژه بهداشت توجه دهد و با بیدار کردن وجدان آدمی، او را به ارزش آن متوجه کند. از این رو از وی می‌پرسد که آیا زشتی‌ها با پاکی‌ها برابرند؟ از نظر قرآن پاکیزه و سالم بودن و سازگاری اشیاء با طبع انسان، شرط اساسی در بهره‌وری از فرآورده‌های زمینی است و انسان تنها می‌بایست از چیزهای پاک و بهداشتی بهره‌برداری کند. (بقره آیه ۱۶۸)

نتیجه‌گیری: حق بر بهداشت و سلامتی از حقوق بر رسمیت شناخته برای بشر از منظر قرآن کریم و حقوق ایران و بین الملل است. تحقق عالی‌ترین استاندارد مورد نظر میثاق نیازمند صرف حداکثر منابع در دسترس دولت‌ها و طی زمان است. تحقق این استاندارد، با توجه به بنیادهای تعیین‌کننده‌ای که برای سلامتی شمرده‌ایم، چالشی بزرگ برای دولت‌ها به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: حق بر بهداشت و سلامت، حق آموزش، حقوق بشر، قرآن، حقوق ایران، حقوق بین الملل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

* نویسنده مسؤل: movassaghi@iaut.ac.ir

مقدمه

آموزش به عنوان یک حق بشری از اهمیتی ویژه برخوردار است چرا که هم خود یک حق بشری است و هم زمینه‌ای ضروری برای فهم سایر حقهای بشری قرار گرفتن این حق در چهارچوب حق‌های اقتصادی، اجتماعی آن را با چالشهایی مواجه نموده است. چراکه این حقها همواره مورد غفلت بوده اند و دولت‌ها قصور یا تقصیر خود در راه اجرای آنها را با عناوینی از قبیل "وابستگی به امکانات" یا "تأمین تدریجی" توجیه نموده اند. حق بر آموزش نیز از این قاعده

همچنین خداوند کسانی که مواهب پاکیزه و سالم و سازگار با طبع انسان را حرام بشمارند را به عنوان افترازنندگان به خدا مورد توبیخ و سرزنش قرار داده تا این معنا را به انسان‌ها تفهیم کند که هر چیز پاک و پاکیزه و بهداشتی حلال است و نمی‌توان آن را حرام دانسته و از محدوده بهره‌وری انسان خارج کرد. (اعراف آیه ۳۲)

قرآن می‌گوید انسان سالم و با شخصیت سالم به طور طبیعی گرایش به پاکی و بهداشت و بهره‌مندی از چیزهای پاک و پاکیزه دارد و کسانی که از بهره‌گیری از چیزهای پاک و بهداشتی خودداری می‌ورزند در حقیقت پیروان شیطان هستند که تحت القائنات او از سلامت روحی دور افتاده‌اند. از این رو خداوند به مردم دستور می‌دهد که از شیطان پیروی نکنند و از نعمت‌های پاک و بهداشتی که خداوند برای آنان آفریده و با طبع سالم ایشان هماهنگ و سازگار است بهره‌مند شوند. (بقره آیه ۱۶۸)

چنانکه گفته شد در نگرش قرآن، پاکی و بهداشت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از این‌رو هدف از تشریح قانون غسل جنابت و وضو را پاکیزه شدن اهل ایمان شمرده است تا مؤمن از نظر بدنی از بهداشت بهره‌مند باشد. (مائده آیه ۶)

قرآن بر پایه حکمی کلی و فراگیر اعلام کرده که همه چیزهایی که پاکیزه و سالم و سازگار با طبع انسانی است حلال بوده و همه چیزهایی که ناپاک و با طبع انسانی ناسازوار است حرام می‌باشد. (اعراف آیه ۱۵۷)

اینکه خداوند مردمان را به پاکیزگی و پاکیزه‌ها دعوت می‌کند و آنان را با مواهب پاکیزه و متناسب با طبع بهره‌مند می‌سازد همه برخاسته از کرم الهی است. از این‌رو با تأکید بر این نکته می‌کوشد تا اهمیت و ارزش پاکیزگی و بهداشت را به انسان بنمایاند. (اسراء آیه ۷۰۱)

دیگر آموزه‌های دستوری قرآنی نیز در این چارچوب نازل شده است که می‌توان به مسئله ضرورت دفن و خاکسپاری مردگان اشاره کرد که به منظور سلامت و بهداشت محیط‌زیست افراد جامعه وارد شده است. این مسئله آنچنان حائز اهمیت بوده است که حتی قایبل پس از کشتن هابیل در جست‌وجوی آن بود تا جسد را بپوشاند و آثاری از پلیدی بر زمین نماند. در تعبیر قرآنی از جسد به سواة [یاد شده است که پلیدی را بیان می‌کند. اصولاً بدن به‌گونه‌ای است که گرایش به پلیدی دارد و وقتی که روح نگه دارنده، از آن بیرون می‌رود پلیدی، با سرعت تمام بدن را در بر می‌گیرد و آثار بهداشت و پاکی را از میان می‌برد. حضور کلاغی برای آموزش چگونگی دفن مردگان به این منظور بوده است که آثار پلیدی در محیط زیست بشر باقی نماند. (مائده آیه ۳۱)

مسئله دیگر که بر اهمیت و جایگاه پاکی و بهداشت در آموزه‌های قرآنی اشاره دارد موظف کردن مردمان به شکرگزاری و سپاس به خاطر نعمت‌های پاک و بهره‌مندی از مواهب موافق طبع بشر می‌باشد. (انفال آیه ۲۶) چنانکه محبوب بودن افراد پاکیزه و تمیز و

مستثنی نمانده، حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مختلفی به رسمیت شناخته شده است که مهم‌ترین آن‌ها میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (ماده ۱۳ و ۱۴) حق بر آموزش مقدماتی نیز یکی از حق بر آموزش‌ها محسوب می‌شود؛ بر اساس این حق، هر فرد استحقاق بهره‌مندی از آموزشی که برای برآوری حداقل نیازهای آموزشی او طراحی شده باشد دارد و برای دستیابی به این منظور آموزش باید دارای عناصر، شرایط و محتوای ویژه‌ای باشد آموزش حداقلی می‌کوشد با بهره‌گیری از مفهوم تعهدات بنیادین حداقلی این سطح از آموزش را به عنوان تعهدی مطلق و لازم‌الاجرا برای دولتها به شمار آورد و از این رهگذر تعهدات متعین و قابل اندازه‌گیری برای آنها ایجاد نماید. در میان یکی از حقوق مهم حق بر آموزش بهداشت و درمان است که مورد تأکید قوانین داخلی و بین‌المللی است. اکنون سوال پژوهش حاضر این است: «حق بر آموزش بهداشت و درمان از منظر قرآن، حقوق ایران و بین‌الملل چه جایگاهی دارد؟» برای پاسخ به این پرسش مبانی و ادله قرآنی و قوانین ایران و حقوق بین‌الملل مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

حق بر بهداشت و سلامت در قرآن

اسلام، حق بر بهداشت را با پایه‌ریزی مفهوم «حفظ الصحة»، «طب پیشگیری» و مفاهیمی از این قبیل، به رسمیت شناخته است بهداشت در آموزه‌های قرآن و اسلام آنچنان از اهمیت و ارزش برخوردار است که نخستین کتاب عبادی فقه اسلامی با طهارت آغاز می‌شود و مسئله طهارت بدن و روح و روان از مهم‌ترین اهداف آموزه‌های آن شمرده می‌شود.

قرآن در آیه ۱۰۰ سوره مائده با طرح سؤالی می‌کوشد تا به اهمیت ویژه بهداشت توجه دهد و با بیدار کردن وجدان آدمی، او را به ارزش آن متوجه کند. از این رو از وی می‌پرسد که آیا زشتی‌ها با پاکی‌ها برابرند؟ «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

از نظر قرآن انسان پاک به سوی بهداشت و پاکی گرایش دارد و از زشتی و خبائثت پرهیز می‌کند. این آیه از پاکیزگی و بهداشت به عنوان معیاری برای ارزشگذاری میان اشیا استفاده می‌کند و می‌گوید که زیادی ناپاکی‌ها دلیلی بر خوبی و حقانیت آن نیست بلکه ملاک و ارزشگذاری تنها می‌بایست پاکی آن باشد نه زیادی و افزایش حجمی و کمی آن.

از نظر قرآن پاکیزه و سالم بودن و سازگاری اشیا با طبع انسان، شرط اساسی در بهره‌وری از فرآورده‌های زمینی است و انسان تنها می‌بایست از چیزهای پاک و بهداشتی بهره‌برداری کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره آیه ۱۶۸) از این رو خداوند همه چیزهای پاک و بهداشتی را حلال کرده است و چیزهایی که پلید است و یا طبع انسان آن را نمی‌پسندد و آن را پلید می‌شمارد را به عنوان حرام دانسته و دستور داده تا از زندگی و مصرف انسان بیرون رود.

بهداشتی در درگاه خداوند از نشانه‌های اهمیت و ارزش بهداشت در اسلام است.

حق بر آموزش

آموزش و حق بر آموزش از مصادیق حقوق بشر هستند و معنای آن این است که اشخاص بتوانند با این حق به آنها داده شود تا بتوانند از حداقل تضمین‌های حقوقی که در اسناد بین‌المللی در خصوص حق بر آموزش ارائه شده است برخوردار شوند. علاوه بر این حق بر آموزش میتوان زمینه ساز رشد و ارتقای حمایت از سایر مصادیق حقوق بشر را فراهم سازد، به طور کلی حق بر آموزش شامل فراگیری دانشهای نظری پایه از طریق آموزش و پرورش ابتدایی متوسطه و عمومی و تخصص‌های علمی از طریق آموزش فنی و حرفه ای و آزادی انتخاب محتوی و منظور رشد و تعالی حیثیت، کرامت و شخصیت انسانی میباشد (۱) حق بر آموزش در این معنا به عنوان یکی از حقوق رفاهی بشر و از مصادیق حقوق فرهنگی ایشان معرفی شده است دکتر فلسفی اعتقاد دارند اگرچه حق بر آموزش در این تعریف شامل آموزشهای عالی نیز میشود. اما قدر متیقن و معنای محدود حق بر آموزش شامل آموزش ابتدایی، آموزشهای پایه و آموزش عمومی و فنی میباشد. (۲)

به طور کلی می توان گفت که هر انسانی به تنهایی یا به صورت گروهی حق دارد در زندگی خود آزادانه به گسترش هویت فرهنگی خود بپردازد حق بر آموزش ارتباط تنگاتنگی با حقوق بشر مربوط به هویت فرهنگی انسانها دارد علاوه بر این لازم است در رابطه با حق بر آموزش تفاوت‌های فرهنگی جامعه جهانی نیز در نظر گرفته شود به عبارت دیگر حق آموزش تضمین کننده حقوق فرهنگی اشخاص است و به همین دلیل لازم است حمایت از حق بر آموزش با خصوصیات فرهنگی در هر جامعه ای تطابق داشته باشد. (۳) به طور کلی حق بر آموزش شامل حق بر آموزش حقوق بشر آزادی دریافت آموزش و آموزش دادن به زبان خود و دیگر زبانها، آزادی درباره تربیت اخلاقی و مذهبی، کودکان آزادی اظهار عقیده ... خواهد شد. البته در خصوص مصادیق حق بر آموزش ممکن است اختلاف نظر وجود داشته باشد اندیشمندان دینی آموزش دین و مذهب را نیز در ردیف سایر سرفصلهای آموزش و به عنوان بخشی از حق بر آموزش معرفی می نمایند، بنابراین در تعریف کلی باید اذعان داشت حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصصهای عملی از طریق آموزش کاربردی نظیر آموزش فنی و حرفه ای میباشد. (۴)

بنابراین باید اذعان داشت حق بر آموزش حق تک تک انسانها است و این حق از طریق حمایت از افراد برای دستیابی به معلومات و دانش با توجه به فرهنگ و ویژگیهای اجتماعی هر جامعه مورد حمایت قرار می گیرد آموزش باید تطابق مقدماتی با فرهنگ و ویژگیهای اجتماعی جامعه محل آموزش داشته باشد، حق بر آموزش علاوه بر آنکه خود از مصادیق حقوق بشر میباشد تضمین کننده سایر حقوق نیز هست و به عنوان مبنای مشخصی برای تضمین حقوقی نظیر آزادی

بیان حق بر دسترسی به اطلاعات حق بر توسعه نیز عمل کند ارتباط میان حق بر آموزش و حق بر توسعه یک رابطه دو سویه است توسعه اجتماعی و انسانی در هر کشوری باعث خواهد شد تا حق بر آموزش به شکل مناسب تری حمایت شده و آموزش در دسترس همه اتباع آن کشور قرار گیرد و در واقع موجب تسهیل دست یابی به اهداف آموزشی خواهد شد، و در مقابل نیز تواند انسانها را با ضرورت توسعه و جایگاه آن در حقوق بشر آشنا سازد. (۵)

حق بر آموزش را میتوان ترکیبی از حقوق نسلهای اول حقوق مدنی و سیاسی و دوم حقوق اقتصادی و اجتماعی دانست؛ زیرا با توجه به اسناد ملی و بین‌المللی در زمینه حقوق بشر میتوان ویژگی هر دو نسل اول و دوم را برای آن قائل شد این حق در قانون اساسی بیش از ۱۴۰ کشور دنیا رسوخ کرده است و برخی اسناد بین‌المللی نیز به آن اشاره کرده اند (۶) برای مثال اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همگام با اسناد بین‌المللی مقرر میدارد دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. حق بر آموزشی در اسناد بین‌المللی مختلفی مورد توجه قرار گرفته است ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره حق بر آموزش چنین اعلام می کند

۱ آموزش و پرورش حق همگان است آموزش و پرورش میبایست دست کم در دوره های ابتدایی و پایه رایگان در اختیار همگان قرار گیرد آموزش ابتدایی می بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه ای نیز می بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگیهای فردی صورت پذیرد.

حق بر آموزش در ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) نیز به رسمیت شناخته شده است: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس به آموزش و پرورش را به رسمیت می شناسند...» هم چنین ماده ۱۴ این میثاق دولتهای عقب مانده در این موضوع را مکلف. اجباری را در تمام سرزمینهای تحت حاکمیت خود تحقق بخشند.

از آن جا که طبق دو ماده اخیر آموزش هم به عنوان حق و هم به عنوان تکلیف شناسایی شده است می توان این دو ماده را حاصل تفاهم نظر دولتهای بلوک شرق و بلوک غرب دانست. (۷) در واقع تصویب این میثاق تحولی در نگرش نسبت به موضوع آموزش است. در حالی که در طول چند قرن اخیر مسئولیت آموزش بر عهده والدین و نهادهایی شبیه کلیسا بود این مسئولیت به دولت انتقال پیدا کرد. البته این تغییر در میثاق به طور کامل صورت پذیرفته است بلکه طبق بند ۳ ماده ۱۳ همچنان والدین حق دارند نسبت به نوع آموزشی که به کودکانشان میدهند دست به انتخاب بزنند بنابراین میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی هم تعهدات منفی را بر دولتها بار می کند و هم تعهدات مثبت (۸) که نشان می دهد تدوین کنندگان

اجلاس عمومی یونسکو در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ به تصویب اعضا رسید. به موجب این کنوانسیون، هر شکل از تبعیض در آموزش و پرورش ممنوع اعلام شد، علاوه برانبر برابری امکانات و رفتار با همه در زمینه آموزش و پرورش تاکید گردید.

عمومیت واژه همه در کنوانسیون منع تبعیض در آموزش و پرورش این استدلال را که اتباع بیگانه نیز در داخل کشور از حق آموزش برخوردار می باشند و علاوه بر آن لازم است به صورت برابر و غیر تبعیض آمیز از این حق برخوردار شوند را تائید می نماید. تبعیض در کنوانسیون مذکور به معنی هر گونه ایجاد تمایز و تفاوت در ارائه تسهیلات آموزشی میان افراد است، علاوه بر این محروم ساختن بدون دلیل هر انسانی نسبت به برخورداری از حق بر آموزش، یا ایجاد محدودیت برای ایشان در خصوص دریافت آموزش تبعیض در آموزش می باشد، (۱۶) نظیر آنکه ثبت نام شخص به واسطه تابعیت در مدارس خاصی به عمل آمده یا محدودیت دیگری از این نظر نسبت به ثبت نام ایشان در مدارس اعمال شود، و نهایتاً ایجاد رجحان و تبعیض در برخورداری از آموزش معنی شده است، ایجاد تمایز و رجحان به این شکل خواهد بود که مثلاً برخورداری از آموزش خاص یا ویژه محدود به اشخاص خاصی شود، به عنوان مثال اگر بدون هیچ دلیلی مقرر شود که ثبت نام در مدارس سمپاد و تیزهوشان مختص به اتباع ایرانی است و اتباع خارجی از ثبت نام در این مدارس محروم شوند نظام آموزشی ایران نوعی رجحان با توجه به معیار تابعیت برای اتباع خودش نسبت به اتباع اسایر کشورها و بیگانگان ایجاد نموده است.

بنابراین هر گونه تفاوتی در برخورداری از حق آموزش براساس نژاد، رنگ پوست، اجنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، منشا ملی یا اجتماعی، شرایط اقتصادی یا ناشی از ولادت که باعث بر هم خوردن تساوی و نقض اصل عدالت در برخورداری از حق آموزش شود از دیدگاه کنوانسیون تبعیض تلقی شده و مسئولیت ز ا خواهد بود.

عمل تبعیض آمیز دولت هادر اقدام به محروم ساختن هر فرد یا گروه از افراد از دسترسی به هرنوع یا سطح از آموزش و پرورش علاوه بر آن محدود کردن هر فرد یا گروه از افراد به آموزش و پرورش با استاندارد و معیارهای متفاوت، می تواند اقدامی مغایر با اهداف ویژگی های حق بر آموزش تلقی شده و تبعیض در آموزش تلقی شود، علاوه بر این چنانچه معیارهای اعمال شده به صورت آشکار نا عادلانه و یا غیر موجه بوده و در نتیجه مغایر با ویژگیهای حق بر آموزش تلقی شود، علاوه بر آن ایجاد یا حفظ نظام ها یا نهادهای آموزشی جداگانه برای اشخاص یا گروه های اشخاص و نهایتاً تحمیل شرایطی که با شرافت و شئون انسان ناسازگار باشد به هر شخص یا گروهی از اشخاص تبعیض تلقی می شود. (۱۷)

بنابراین یکی از مهم ترین مبانی حق بر آموزش ضرورت تساوی اشخاص می باشد، اگر این حاصل مورد حمایت قرار نگیرد ثروت مندان عملاً شرایط بهتری برای آموزش خود و فرزندانشان فراهم

حق بر آموزش در تدوین این حق به هر دو نسل حقوق بشر توجه داشته اند دولتها مکلفند که میزان دسترسی به امکانات تحصیلی را تا اندازه کافی ارتقاء بخشند و تسهیلات لازم برای شرایط مناسب آموزشی را فراهم آورند. ۳۴ همچنین دولتها باید به اشخاص حقیقی و حقوقی نیز اجازه دهند تا آزادانه نهادهای آموزشی را تأسیس نمایند. (۹) علاوه بر این دسترسی فیزیکی و اقتصادی به نهادهای آموزشی نیز تکلیفی است که دولت در راستای اجرای حق بر آموزش مکلف است نسبت به مردم خویش انجام دهد و هیچ تبعیضی را نسبت به گروه های آسیب پذیر مانند زنان و اقلیتها به عمل نیاورد و در نهایت مانع انتخاب نوع آموزش از سوی والدین نیز نشود با توجه به این تکالیف میتوان نتیجه گیری کرد که حق بر آموزش خود شامل سه حق می باشد: حق به دریافت، آموزش حق به انتخاب آموزش و حق به آموزش، برابر این حقوق می توانند مکمل هم باشند یا با هم برخورد داشته باشند (۹) آموزش باید افراد را قادر سازد تا آزادانه شخصیت و کرامت خود را توسعه داده در جامعههای آزاد مشارکت کنند و به حقوق دیگران احترام بگذارند. (۱۰) اجرای حق بر آموزش در بیشتر موارد سازنده شخصیتها مهارتهای ارتباطی و رفتار اجتماعی افراد است. بنابراین قصور در اجرای این حق میتواند عواقب قابل توجهی را بر آینده یک کشور بگذارد. (۱۱)

مبانی حق بر آموزش

مهم ترین مبانی حق بر آموزش از نظر لاک حق برابری و حق توسعه می باشد، جان لاک اعتقاد داشت که اگرچه کودکان از نظر اقتصادی و اجتماعی در شرایط برابر به دنیا نمی آیند، اما به صورت طبیعی همه با هم برابر هستند، و همه والدین مکلف به پرورش، تغذیه و آموزش فرزندان خود می باشند. (۱۲) اصل عدم تبعیض در آموزش که در سراسر منشور ملل متحد و منشور بین المللی حقوق بشر و میثاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر آن تاکید شده، را می توان اصل راهنما در قلمرو اجرای حق بر آموزش دانست. به عبارت دیگر مبانی اساسی حق بر آموزش برابری و اصل عدم تبعیض می باشد، به آن معنی که اساس نظام آموزش و حق بر آموزش در هر جامعه ای، برابر بودن و تأمین این حق برای همگان است و این اصل محور سایر قواعدی است که در پیرامون حق شکل می گیرند. بر اساس این اصل، آموزش باید برای همه تأمین شود. (۱۳)

بسیاری همچون دکتر فلسفی مبانی متعددی نظیر اعتلای حق آزادی بیان، حق بر آگاهی، حق بر توسعه، حق بر صلح و امنیت را از مبانی حق بر آموزش معرفی نموده اند" (۱۴) در ادامه تنها حق تساوی و برابری و حق توسعه به عنوان مبانی حق بر آموزش مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

۱-۳-۱- رعایت تساوی و اصل عدم تبعیض در آموزش

یکی از مهم ترین مبانی حق بر آموزش رعایت تساوی و اصل برابری تمام انسان ها می باشد، این اصل موجب توسعه اصلی در آموزش کنوانسیون منع تبعیض در آموزش و پرورش (۱۵)، در یازدهمین

مهارت ها نه تنها به فرد اجازه میدهد که کنترل بیشتری بر زندگی روزانه اش داشته باشد بلکه به او اجازه می دهد که در جامعه مشارکت موثرتری نماید.

-مهارتهای زیستن شامل، بهداشت، سلامت آداب معاشرت و مهارتهای شغلی: مهارت های زیستن به گروه گسترده ای از مهارتهای روانی اجتماعی و میان فردی اطلاق میگردد که به فرد در تصمیم گیری، مراد موثر و توسعه مهارتهای خود گردانی که منجر به زندگی سلامت و پربار میگردد، کمک می نماید.(۲۲)

-آموزش صلح، احترام برداری و رعایت و احترام به حقوق بشر محتوای آموزش باید در جهت توسعه کامل شخصیت و کرامت انسان و احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی تقویت و هدایت شود. همچنین آموزش میتواند شرکت فعال و مؤثر افراد در یک جامعه آزاد و در فضای تفاهم مدارا و دوستی بین تمام ملتها و گروه های نژادی قومی یا مذهبی و همچنین فعاليتها جهت برقرار ساختن صلح را تحقق بخشد.(۲۳)

حق بر آموزش بهداشت و سلامت همانطور که در سطور فوق گذشت یکی از محتواهای ضروری جهت آموزش، آموزش بهداشت و سلامت است. این

تضمین حق بر آموزش مقدماتی توسط دولت ها حقوق بشر نظامی حق محور است و لازمه آن وجود متعهد در برابر صاحب حق است. نظامی هنجاری که متضمن حقهای افراد در برابر دولتها است. در این مفهوم کارکرد اصلی حقهای بشری کاستن از قدرت دولت و تضمین حداقلهایی برای برخورداری از یک زندگی توأم با شرافت است و این متعهد دانستن دولت ها در قبال حقهای بشری افراد در تمام اسناد حقوق بشری نیز جلوه یافته است بنابراین این دولت است که متعهد به تضمین هر یک از حقهای بشری است. دیدگاه غالب درباره تعهدات دولتها آن را به دو دسته تعهدات منفی و تعهدات مثبت تقسیم بندی مینماید تعهدات منفی بر مبنای تعهد دولت به عدم مداخله و تعهدات مثبت نیازمند مداخله دولت هستند. دیدگاه دیگری که در سالهای اخیر مطرح گردیده و مورد توجه قرار گرفته است تقسیم بندی تعهدات دولتها بر اساس سطوح مختلف تعهد است. در این دیدگاه تعهدات دولتها به سه دسته احترام، حمایت و ایفاء تقسیم میگردند که در خصوص تمامی حقهای بشری و به صورت عام لازمه الرعايه می باشند در گفتار پیش رو به بررسی تعهدات دولتها در جهت تضمین حق بر آموزش پرداخته خواهد شد و در این راه به تعهدات عام دولتها که بایست در تمام حقهای بشری به رعایت آن مبادرت ورزند پرداخته و سپس به تعهدات خاص مرتبط با حق بر آموزش که به آموزش مقدماتی نیز تشریح مییابد و نیز تعهدات بنیادین حداقلی در رابطه با آموزش مقدماتی پرداخته خواهد شد.

۲-۳-۱- تعهدات عام دولت ها

خواهند ساخت یا ممکن است دولت یک کشور شرایط سختی برای آموزش نسبت به اقلیت ها یا اتباع مهاجر ایجاد نماید، بنابراین لازم است آموزش برای همه و به ویژه برای گروههای آسیب پذیر تر، هم به لحاظ قانونی و هم در عمل بدون تبعیض مبتنی بر دلایل ممنوعه قابل دسترسی باشد،(۱۸) در برخی دیگر از متون بین المللی بر ضرورت رعایت برابری و تساوی انسان ها در امر آموزش تاکید شده است، به استناد بندج از ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات اجنایت آپارتاید(۱۹) ۱۹۷۳ مقرر گردیده: ((هرگونه اقدامات قانونی و یا اقدامات دیگر که منظور از آنها بازداشتن گروه و یا گروه هایی از مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، ایجاد تعمدی شرایطی جهت جلوگیری از توسعه چنین گروه یا گروه هایی به خصوص با محروم کردن اعضای یک گروه یا گروه های نژادی از حقوق بشر و آزادی های شامل: حق کار، حق تشکیل اتحادیه های کارگری مجاز، حق تحصیل، حق ترک و بازگشت به وطن، حق داشتن ملیت، حق آزاد بودن در رفت و آمد با اقامت، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی تشکیل مجمع و یا انجمن و... « به این ترتیب حق تحصیل نیز از جمله حقوقی است که به موجب این کنوانسیون باید افراد فارغ از نژاد یا تابعیت ایشان تأمین گردد.(۲۰)

در مقایسه اصل تساوی و اصل عدم تبعیض باید اذعان داشت، اصل تساوی به عنوان مبنای حق بر آموزش می باشد اما اصل عدم تبعیض ویژگی حق بر آموزش در حقوق بشر می باشد، اصل تساوی مشخص می کند که چرا باید حق بر آموزش وجود داشته باشد و اصل عدم تبعیض مشخص می کند که آموزش ارائه شده باید چگونه باشد، بنابراین در ماهیت اصل تساوی و رفع تبعیض با یکدیگر تفاوت دارند، اما می توان با مطالعه اصل عدم تبعیض در آموزش و پرورش به مبنای اصل تساوی در توسعه حق بر آموزش پی برد.

استانداردهای محتوای آموزش

محتوی همراه با کیفیت عبارت از برنامه آموزشی است که آموزنده بنا بر آن به امر تحصیل می پردازد. بخشی از مضمون و محتوای آموزشی در اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته است.(۲۱)

محتوی همراه با کیفیت برنامه آموزشی شامل موارد ذیل میباشد:

-ساختار مبتنی بر استانداردهای بین المللی و اصل عدم تبعیض ساختار برنامه آموزشی باید محدوده های مانند دانش، موضوعات درسی صحیح و مفهومی و حل مساله ای که بر توسعه مهارت ها همانند آکساب نماید؛ در بر گیرد. محتوای آموزشی بایست مبتنی بر عدم تبعیض باشد.

-ایجاد توانایی خواندن و نوشتن و آموزش مهارتهای ریاضی توانایی خواندن و نوشتن یکی از اهداف اولیه آموزش است، با گسترش اطلاعات کمی و عددی اهمیت آموزش ریاضی نیز افزایش یافته، این

تعهد به ایفاء، به معنی تعهد دولت به انجام اقداماتی است برای اطمینان از اینکه هر فرد در حوزه صلاحیت دولت فرصت بهره مندی از نیازهایی را که در اسناد حقوق بشری شناسایی شده و با تلاشهای شخصی قابل حصول نمی باشد، را بدست آورد.

این امر یعنی تعهد به ایفاء، نیازمند اقدامات دولت درباره قانونگذاری اداری بودجه ای قضایی و سایر اقداماتی است که در جهت برآوری و تحقق کامل آن حق لازم باشد. البته تعهد به ایفاء به صورت دیگری نیز در میان محققین حقوق بشر جلوه یافته است. یکی از مهمترین این نظریات تقسیم بندی ون هوف است که در آن به جای تعهد به ایفاء، از دو تعهد جداگانه تعهد به تضمین و تعهد به ترویج استفاده شده است. تعهد به تضمین نیازمند اقدامات بلند مدت در بخشی از دولت است که نیازمند ایجاد شرایط و اهداف با نتایج مشخص در شکل گیری تحقق مؤثر حقها و آزادیها است. تعهد به ترویج شامل تعهداتی است که اهداف بلندمدت را شامل می گردند این اهداف فقط به صورت تدریجی الحصول و در بلندمدت قابل تحقق هستند. در سطح نهادهای بین المللی حقوق بشر و بویژه کمیته میثاق حقوق، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مفهوم تعهد به ایفاء خود شامل دو زیر مجموعه دیگر است یکی تعهد به تسهیل و دیگری تعهد به فراهم آوردن بر مبنای تعهد به تسهیل دولت ها میبایست اقدامات مثبت در جهت توانمند نمودن و کمک کردن به افراد و گروهها در جهت بهره مندی از حقها به کار گیرند و تعهد به فراهم نمودن عبارت از تعهد دولت به فراهم آوردن حق ویژه ای است که اشخاص یا گروهها به دلایل خارج از کنترل آنها قادر به تحقق آن با وسایلی که در اختیارشان است. نیستند. (۲۸)

۲-۳-۲- تعهدات خاص دولت ها

حق بر آموزش به عنوان یک حق بشری نیازمند متعهدی برای اجرا و بهره‌مند نمودن افراد است و این دولت ها میباشند که متعهد اصلی اجرای تمام حقهای بشری هستند از سوی دیگر باید توجه داشت که هیچ حقی بدون تعهد متقابل وجود ندارد و همه حقهای بشری از جمله حق بر آموزش نمیتوانند حفظ و تقویت گردند مگر آنکه همراه با تعهد متقابل برای دولتها و دسترسی به جبران برای نقض و تعدی به آنها باشند. تعهدات دولت در اجرای حق بر آموزش علاوه بر تعهدات عام احترام، حمایت و ایفاء، شامل تعهداتی دیگر می شود که مختص به حق بر آموزش و محتوای این حق میباشد. بدین معنی که دولتها در اجرای حق بر آموزش و در جهت ایفاء تعهدات حقوق بشری خود ملزم به رعایت آنها هستند این تعهدات در چهارچوبی که برای اولین بار توسط گزارشگر ویژه حق بر آموزش کاتارینا توماسوکی تدوین گردید شامل چهار خضیصه می باشند که عبارتند از: قابلیت دسترسی، قابلیت دستیابی، قابلیت پذیرش و قابلیت تطبیق. همانطور که در تفسیر عمومی شماره ۱۳ کمیته میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز مورد تأکید قرار گرفته، این

اول: تعهد به احترام

تعهد به احترام، تعهد به عدم مداخله در برخورداری فرد از حقهای بشری است تعهد به احترام به عنوان تعهد «سنتی» یا «کلاسیک» در زمینه حقوق بشر نیز مطرح گردیده و بر مبنای عدم دخالت دولت در آزادی بهره مندی افراد است. «اید» تعهد به احترام را به این صورت تعریف نموده است: «تعهد به احترام از دولت میخواهد که از هر عملی که به نقض تمامیت فرد و یا تعدی به آزادی او منجر میشود خودداری نماید.» (۲۴)

این نوع از تعهد دولت را ملزم مینماید که به حقهای بشری افراد احترام بگذارد و آنها را از بهره مندی از حقها محروم یا ممنوع نگرداند این تعهد هم در حقهای مدنی و سیاسی جلوه مییابد و هم در حقهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نمایان میگردد. البته در بادی امر به نظر میرسد که حقهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعهد ایجابی دولت را در بر میگیرند و عدم مداخله در مورد این حقها بلاوجه میباشد اما همچنان که کمیته میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۳ خود بر این امر صحه گذاشته تمام حقها - از جمله حقهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی - شامل این سه سطح از تعهدات میگردد. (۲۵)

دوم: تعهد به حمایت

تعهد به حمایت بدین معنی است که دولت متعهد است که اشخاص ثالث را از تعدی به حقهای بشری افراد باز بدارد. معنای اصلی این تعهد این است که دولت باید اقدامات مثبت در جهت محافظت افراد در برابر اعمال مداخله گرانه یا مضر اشخاص ثالث انجام دهد. این محافظت در برابر تعدیات توسط اشخاص ثالث اغلب بوسیله قانونگذاری صورت میپذیرد که به نظر وسیله اصلی برای حمایت از حقهای بشری در معاهدات حقوق بشری مختلف میباشد در صحنه داخلی این محافظت و حمایت در قانونگذاری داخلی در جهت نظام بخشی به اعمال اشخاص خصوصی متجلی می گردد. این تعهد نیز در هر دوی حقهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و حقهای مدنی و سیاسی قابل اعمال میباشد. «اید» تعهد به حمایت را به صورت زیر تعریف نموده است:

«این تعهد از دولت و نمایندگانش میخواهد که نسبت به اقدامات لازم در جهت جلوگیری از تعرضات سایر افراد و گروهها به تمامیت آزادی عمل و سایر حقهای بشری افراد شامل پیشگیری از تعدی به بهره مندی فرد از منابع مادی، اقدام نمایند.» (۲۶)

در سطح نهادهای بین المللی نیز کمیته میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تعریف مشابهی از تعهد به حمایت ارائه نموده و تعهد به حمایت را تعهد دولت در به کارگیری اقداماتی در جهت ممانعت اشخاص ثالث از مداخله کردن در بهره مندی اشخاص از حقهای بشری شان دانسته است. (۲۷)

سوم: تعهد به ایفاء

^۱ -Asbjorn Eide

گیرد. به عنوان مثال در همین زمینه کمیته میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دولتها را ملزم نموده که از قابلیت دستیابی به آموزش با اطمینان از اینکه اشخاص ثالث به دختران اجازه به مدرسه رفتن میدهند حمایت نمایند. دوم آموزش باید به صورت فیزیکی برای همه قابل دستیابی باشد مدارس باید در محلهایی مستقر شده باشند که برای همه قابل دستیابی باشد بویژه برای افراد حاشیه نشین یا گروههای آسیب پذیر مانند اقلیتهای قومی با نژادی این امر بایست مورد توجه قرار گیرد سوم آموزش باید از نظر مالی برای همه قابل دستیابی باشد. این امر البته در مراحل مختلف آموزش تفاوت دارد هر چند که در تمام مراحل باید از نظر مالی هزینه ها قابل دستیابی باشند اما در مرحله آموزش ابتدایی این هزینه ها باید به صفر رسیده و آموزش در مرحله ابتدایی برای همه رایگان باشد ولی در مراحل بعد چنین تعهدی برای دولتها در زمینه دستیابی به آموزش وجود ندارد.

سوم: قابلیت پذیرش

قابلیت پذیرش عبارت از شکل و مفاد آموزش با توجه به هر دوی کیفیت و مناسب بودن است. بنابراین شکل و مفاد آموزش شامل برنامه آموزشی و روشهای تدریس بایست قابل پذیرش باشد به عنوان مثال مرتبط از نظر فرهنگی مناسب و با کیفیت خوب این تعهدی است که بر اصل کرامت انسانی بنا نهاده شده و میخواهد که آموزش از کیفیتی شایسته برخوردار باشد آموزش باید بر اصل عدم تبعیض و مناسب بودن و مرتبط بودن محتوای آموزشی با زمینه های فرهنگی اجتماعی و زبان دانش آموزان باشد.

قابلیت پذیرش تعهد دولت به تضمین این امر است که تمام مؤسسات و نهادهای آموزشی از استانداردهای مشخصی در زمینه آموزگاران دانش آموزان محیط آموزشی و برنامه آموزشی پیروی کنند. احترام به آزادی والدین برای انتخاب آموزش فرزندانشان با توجه به اعتقادات، اخلاقی، مذهبی و فلسفی شان مانع از این امر نیست که آنها را ملزم نماید که از استانداردهای قابل قبول در زمینه آموزش پیروی نمایند. اما دولتها ملزم هستند که در مدارس دولتی نیز به عقاید والدین احترام بگذارند.

در جهت قابل پذیرش بودن آموزش دولتها بایست حقوق اقلیتها را در تأسیس مدارس و آموزش به زبان و اعتقادات خودشان به رسمیت بشناسند.

چهارم: قابلیت تطبیق

قابلیت تطبیق به این معنی است که آموزش بایست قابل انعطاف باشد و بتواند خود را با نیازهای جوامع و اجتماعات متغیر هماهنگ نماید و پاسخگوی نیازهای آموزندگان در زمینههای فرهنگی و اجتماعی باشد. در جهت تحقق قابلیت تطبیق دولتها بایست منابع لازم را برای مؤسسات آموزشی فراهم نمایند تا آنها بتوانند برنامه های آموزشی مطابق با نیازهای جامعه ارائه نمایند. در همین راستا مدارس بایست بر روند فعالیت آموزگاران و آموزندگان نظارت نمایند و اصلاحاتی را بسته به نتایج رخ داده انجام دهند. برای قابل

خصیصه ها باید در تمام سطوح و تمامی اشکال آموزش وجود داشته باشند و دولت ها متعهد به فراهم آوری آنها میباشند. از همین روست که این تعهدات در آموزش مقدماتی نیز می بایست توسط دولت ها رعایت گردند و دولتها برای ایفاء کامل تعهدات خود در زمینه حق بر آموزش مقدماتی نیز ملزم به رعایت آنها هستند.

اول: قابلیت دسترسی

قابلیت دسترسی به این معنی است که دولت متعهد است مؤسسات و برنامه های آموزشی را به مقدار کافی و با امکانات ضروری برای کارکرد مناسب در زمینه ای که دایر شده است در دسترس قرار دهد. به عنوان مثال همه مؤسسات و برنامه های آموزشی از ساختار کافی وسایل بهداشتی آب آشامیدنی سالم، آموزگاران تعلیم دیده که حقوق رقبای دریافت میکنند مواد آموزشی و غیره برخوردار باشند برای قابل دسترس نمودن آموزش دولت موظف است که اجازه تأسیس مدارس را صادر نماید و منابع ضروری برای توسعه فیزیکی مؤسسات آموزشی را فراهم نماید. این تعهد شامل مواردی دیگر نیز میشود و در همین راستا دولت بایست به تعداد کافی مدرسه تأسیس نماید و تعداد کلاسهای کافی ایجاد نماید و از شلوغی بیش از حد کلاسها که موجب پایین آمدن کیفیت آموزشی می شود، خودداری نماید. (۲۹) قابلیت دسترسی دو تعهد متفاوت را بر دوش دولت قرار می دهد، یکی حق بر آموزش به عنوان یک حق مدنی و سیاسی که از دولت میخواهد که اجازه تأسیس مؤسسات آموزشی را به نهادهای غیر دولتی بدهد و آنها را از این امر ممنوع یا محروم نگرداند و حق بر آموزش به عنوان یک حق اجتماعی اقتصادی که از دولت میخواهد خود به تأسیس مدارس و مؤسسات آموزشی اقدام نماید یا به این مؤسسات کمک مالی نماید و یا از هر طریق دیگر اطمینان حاصل نماید که آموزش در دسترس قرار دارد. مجوز دادن و عدم ممنوع گردانیدن افراد در تأسیس نهادهای آموزشی غیر دولتی و نیز آزادی والدین در انتخاب نوع آموزش فرزندانشان یکی از جنبه های دسترسی به آموزش میباشد اما در این جا نیز دولت متعهد است که علاوه بر عدم دخالت و جلوگیری از بهره مندی افراد از این آزادیها به صورت مثبت در امر نظارت بر تأسیس این مؤسسات و نیز نحوه اعمال اراده والدین ایفاء نقش نماید و اطمینان حاصل نماید که این مؤسسات به خوبی تجهیز شده اند و برنامه های آنها با تعریف آموزش مطابقت دارد. (۳۰)

دوم: قابلیت دستیابی

تعهد دولت راجع به قابلیت دستیابی به این معنی است که مؤسسات و برنامه های آموزشی باید برای همه و بدون هیچ تبعیضی قابل دستیابی باشند قابلیت دستیابی دارای سه بعد به هم پیوسته میباشد. اول اینکه آموزش باید بدون هیچ نوع تبعیضی در دسترس همگان باشد این عدم تبعیض یک تعهد مطلق برای دولت هاست و مشمول تدریجی الحصول بودن مورد اشاره در باره حقه های اقتصادی و اجتماعی نمیشود در این میان بایست دستیابی پذیری آموزشی برای گروههای آسیب پذیرتر، جامعه زنان و دختران و اقلیتها مورد توجه قرار

متعاقد لازم است بنابراین برای مثال کشور متعهده‌ای که در آن تعداد قابل توجهی از افراد از مواد غذایی ضروری با مراقبت‌های بهداشتی اولیه ضروری یا مسکن و سرپناه حداقلی و یا حداقلی‌ترین اشکال آموزش محروم باشند در نگاه اول در ایفای تعهدات خود براساس میثاق قصور نموده است. اگر میثاق در جهتی تعبیر گردد که چنین تعهدات بنیادین حداقلی را ایجاد ننماید به طور عمده ای از فلسفه وجودی اش بی بهره می‌گردد.

این مفاد بنیادین مورد اشاره میتواند به عنوان وسیله کارایی در تجزیه و تحلیل و روشن نمودن مفاد حقایق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که غالباً مبهم و بی انتها توصیف می‌گردند در نظر گرفته شود و در جهت ارزیابی اعمال دولت‌ها در این زمینه و شناسایی نقضهای این حقایق به کار گرفته شود. بنابراین تعهد بنیادین حداقلی و مفاد بنیادین به این معناست که هر یک از حقایق یک استحقاق حداقلی مطلق را موجب می‌گردند که در غیاب آن دولت متعهد تعهداتش را نقض نموده است این مفاد بنیادین بایست جهانی باشند بدین معنی که قطع نظر از دولت اجرا کننده و شرایط آن باید به صورت یکسان اجرا گردند. بنابراین نیازهای مردمان و فرصتهای در دسترس در کشور بایست مفاد بنیادین یک حق را معلوم و محدود نماید.

اجرای تعهدات بنیادین حداقلی میبایست در ارتباط با در دسترس بودن منابع تعریف شود. این گونه تعهدات به عنوان تعهدات اصلی یک دولت در قبال حقایق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌گردند و حتی این تعهدات و اجرای آنها غیر قابل تعلیق توصیف شده‌اند.^۱

حق بر آموزش نیز به عنوان یکی از حق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مشمول این تعهدات بنیادین حداقلی برای دولتها میباشد و دولتها در اجرای تعهدات حقوق بشریشان بایست مفاد بنیادین حق بر آموزش را به عنوان تعهد بنیادین حداقلیشان را اجرا نمایند به ویژه که در تفسیر عمومی شماره ۳ نیز آموزش به عنوان یکی از تعهدات بنیادین دولتها مورد اشاره قرار گرفته و حداقلی‌ترین شکل آموزش به عنوان چنین تعهد بنیادینی بر دوش دولتها نهاده شده است از همین رو در تفسیر عمومی شماره ۱۳ کمیته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تبیین و بر شمردن این تعهدات بنیادین دولتها در ارتباط با حق بر آموزش پرداخته است.

یکی از مسائل اصلی در ارتباط با حق بر آموزش مسأله دسترسی به آموزش بر مبنای عدم تبعیض است. بر این مبنا افراد بایست از حق دسترسی به نهادهای آموزشی موجود بدون تبعیض برخوردار باشند و به طور مثال نباید اعضای اقلیتهای قومی یا زبانی از حق دسترسی به آموزش محروم گردند برای رعایت عدم تبعیض دولت‌ها موظفند که هیچگونه تفاوتی در کیفیت آموزشی که به گروههای مختلف اجتماعی داده میشود قائل نشوند.(۳۵)

شرایطی نمیتواند عدم اجرای تعهدات بنیادین را که غیر قابل تعلیق هستند توجیه نماید

تطبیق بودن آموزش دولتها بایست به طراحی و اجرای نظام و رویه آموزشی برای افراد که از آموزش محروم مانده‌اند. و یا نیازهای ویژه آموزشی دارند مبادرت ورزند به عنوان مثال افراد دارای معلولیت کودکان کار، اقلیت‌ها و بومیان همین طور آموزش باید با نیازهای ویژه آموزندگان در تطابق باشد.

تعهد به قابل انطباق نمودن آموزش دولت را ملزم مینماید تا به نحوی به ارائه آموزش بپردازد که پاسخگو و منطبق با نیازهای آموزندگان باشد نظام آموزشی قابل انطباق تعداد محرومین از آموزش را کاهش میدهد و دستیابی به اهداف آموزشی را تسهیل می‌نماید.

۲-۳-۳- تعهدات بنیادین حداقلی

حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از ابتدای پیدایش با چالشهای متعددی روبرو بودند. این چالش‌ها از یک سو به این دلیل است که برخی از اندیشمندان حقوق بشر برچسب حق را برای این گونه مطالبات نمی‌پسندند و از سوی دیگر ماهیت تعهدات دولت در اجرای این حقایق که باعث شده این حقایق تعهدات کمتر معین را بر دوش دولت قرار دهند.(۳۱) این مسأله در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که اصلی‌ترین سند حمایت از این نوع از حقایق به شمار می‌آید بدین صورت بروز یافت که دولتها برای تحقق و اعمال کامل این حقوق «با استفاده از حداکثر منابع و به منظور تأمین تدریجی این حقایق اقدام نمایند.

مسأله تأمین تدریجی در چهارچوب حداکثر منابع موجود امر نظارت بر اجرای این حقایق را دچار پیچیدگی و حوزه تعهدات دولتها را دچار ابهاماتی نمود برای فائق آمدن بر محدودیتهای ناشی از مسأله تأمین تدریجی حقایق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی رویکردی در نظارت بر تعهدات ناشی از حقایق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوجود آمد که بر شناسایی مشکلات و نقضهای رخ داده درباره این حقایق تمرکز داشت و قصور دولتها در اجرای تعهدات را نقض محسوب می‌نمود.(۳۳) بر اساس این رویکرد نقضها هم میتواند به صورت انجام فعل باشد و هم ترک فعل بنابراین قصور دولت در زمینه اجرای تعهدات به عنوان نقض آن حق محسوب می‌گردد. از سوی دیگر مفهوم دیگری در دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات حقایق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردید، مفهوم تعهدات بنیادین حداقلی در سال ۱۹۹۰ وارد تفسیر عمومی شماره ۳ کمیته میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی درباره ماهیت تعهدات دولتها مورد اشاره قرار گرفت و مفهوم مفاد بنیادین» به عنوان وسیله ای برای شناسایی عناصر مفاد اصلی حقایق بشری که استحقاقات حداقلی را در بر می‌گرفتند مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این تفسیر عمومی: کمیته بر این دیدگاه است که یک تعهد بنیادین حداقلی برای اطمینان از ایفاء کمترین سطوح حداقلی ضروری هر حق برای هر کشور

- کمیته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۴ خود این امر را مورد اشاره قرار داده و تاکید نموده که دولت‌ها تحت هیچ

علیه بشریت، قوم‌زدایی و پاکسازی قومی به کار می‌رود و مسئولیت اولیه‌ی این کار را نیز بر عهده‌ی دولت ملی می‌داند، لیکن استناد به این تئوری جهت حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان یک کشور با تردید روبه‌رو است. اما نقض «حق بر سلامتی» به جهت پیوند وثیقی که با حیات انسان دارد، اگر آستانه‌ی بالایی از شدت را دارا باشد، شاید بتواند مداخله از باب مسئولیت حمایت را توجیه نماید. با این حال مشکلات راجع به نحوه‌ی انجام مداخله و مقام قانونی برای تجویز آن و دامنه اقدامات و سایر مسائل هنجاری در خصوص این تئوری هم‌چنان به قوت خود باقیست. در نتیجه حق بر آموزش بهداشت و درمان از منظر قرآن و حقوق ایران و حقوق بین‌الملل یکی از حقوق به رسمت شناخته شده انسان‌ها می‌باشد که دولت‌ها باید بیشترین تلاش را جهت تحقق همه جانبه آن به عمل آورند.

References

1. Ansari, Baqir, "The right of the child to education in the international human rights system", *Journal of Islamic Law*, No. 16, 16.
2. Jalali, Mohammad and Tangestani, Mohammad Ghasem, employees of the public sector, the right to strike, public magazine ban or comparison, a comparative study of the systems of France, England and Iran, comparative law researches, volume 16, number 7, 2013.
3. Hat Mehdi, Zahedi, Golugahi, *The Right to Education and Publications*, Government Publications, Tehran Khorsandi, 2019.
4. Zare Mohammad Hossein and Mohammadi Hamzeh, legal discrimination in Iran's higher education with an emphasis on some features, *Majles and Strategy Magazine*, No. 76, 2013.
5. Tajarlo, Reza, *Human economic, social and cultural rights*, Tehran: Dadgstar, first edition, 2013.
6. Philosopher, Hedayatullah, *The right to teach international law and Iranian law*, Tehran, Jangal Publications, 2015.
7. Qari, Seyyed Mohammad, *Human rights in the modern era of the first book*, an

بنابراین در مدارس و مؤسسات آموزشی که توسط دولتها تأسیس شده و یا تحت نظر آنها اداره میشود نباید تبعیض اعمال گردد و در سایر موارد نیز دولتها متعهد هستند که از اعمال تبعیض ممانعت نمایند.

آموزش ابتدایی (به عنوان زیر مجموعه ای از آموزش مقدماتی) نیز به عنوان تعهد بنیادین دولتها در مورد حق بر آموزش شناسایی شده است. آموزش ابتدایی در هیچ یک از اسناد حقوق بشری تعریف نشده است اما در رویه عملی نهادهایی مانند یونیسف و یونسکو میتوان به تعریفی از آن دست یافت.

نتیجه گیری

«حق بر سلامتی و بهداشت» به واسطه‌ی پیوند نزدیکی که با حیات انسان دارد، شایسته‌ی توجه است. تحقق عالی‌ترین استاندارد مورد نظر میثاق نیازمند صرف حداکثر منابع در دسترس دولت‌ها و طی زمان است. تحقق این استاندارد، با توجه به بنیادهای تعیین‌کننده‌ای که برای سلامتی شمردیم، چالشی بزرگ برای دولت‌ها به شمار می‌رود. دلیلش نیز اینست که تحقق این بنیادها مقدمه‌ی لازم نیل به استاندارد عالی بهداشت و سلامتی است، اما در وضعیتی که آلودگی‌های زیست محیطی و تخریب روز افزون جنگل‌ها - که هم‌چون ریه‌های کره‌ی خاکی هستند -، گرمایش ناشی از حجم انبوه گازهای گلخانه‌ای، بیابان‌زایی، خشک شدن یا آلودگی منابع آب شیرین و... که به نوعی روزشمار مرگ زیست بوم انسان را کلید زده‌اند، در کنار افزایش قحطی و خشکسالی و فقدان امنیت غذایی، باعث گردیده است که سلامتی انسان بیش از پیش در معرض خطر قرار گیرد. در این شرایط شاید صحبت از عالی‌ترین استاندارد سلامتی چندان واقع‌بینانه نباشد. از سوی دیگر، محدودیت منابع تحت اختیار دولت‌ها و عدم برنامه‌ریزی صحیح و اصولی در تخصیص و تقسیم منابع، مشکل منابع محدود را چند برابر کرده است. تعهد به همکاری بین‌المللی هم که به عنوان سازوکاری تکمیلی جهت توانمندسازی و بالا بردن ظرفیت‌های اقتصادی و فنی دولت‌ها در میثاق مطرح گردیده است، بیشتر به یک توصیه می‌ماند تا تعهدی حقوقی، هر چند که در یک سند بین‌المللی الزام‌آور ذکر شده است. مشخص نیست که اگر دولتی با وجود برخورداری از امکانات لازم، نسبت به انجام این تعهد بی‌توجهی نشان دهد، چه مسئولیتی متوجه او خواهد شد. با توجه به این که مسئولیت اولیه‌ی حمایت و اجرای حقوق بشر بر عهده‌ی دولت ملی است، اگر این دولت به دلیل ناتوانی، از انجام این مسئولیت اولیه عاجز باشد یا با وجود بهره‌مندی از منابع کافی، نسبت به این مسئولیت بی‌تفاوت و بی‌تمایل باشد، آیا امکان مداخله از باب تئوری مسئولیت (Responsibility to Protect) حمایت وجود دارد؟! ناگفته نماند جایگاه این تئوری در حقوق بین‌الملل هنوز محل اختلاف نظرهای بسیاری است. هرچند این تئوری در مورد حمایت از حقوق اساسی شهروندان در برابر جنایات جنگی، جنایات

Social and Cultural Rights, Intersentia Publishing, 2002.

18. Brian Orend, Human Rights: Concept and Context, Broadview Press, 2002.

19. Catarina de Albuquerque, Chronicle of an Announced Birth: The Coming Into Life of The Optional Protocol to The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Human Rights Quarterly, Vol 32 No 1 February 2010.

20. Chapman, Audrey R., & Russell Sage, Core Obligations: Building a Framework for Economic, Social and Cultural Rights. New York, USA: Intersentia, 2002.

21. Committee on Economic, Social and Cultural Rights:

22. Concluding Observations Adopted by Committee on Economic, Social and Cultural Rights on its 27th and 28th Meetings Held on 10 May 2001.

23. Convention against Discrimination in Education is a multilateral treaty adopted by UNESCO on 14 December 1960.

24. Convention on The Elimination of All Form of Discrimination Against Women (CEDAW).

25. Convention on the Suppression and Punishment of die Crime of Apartheid (ICSPCA).1973.

26. Coomans.F, Identifying the Key Elements of the Right to Education:A Focus on Its Core Content" UNESCO Chair in Human Rights and Peace, Centre for Human Rights, University of Maastrich, , 2007.

27. Defining Quality in Education, Unicef Meeting to The International Working Group on Education, Florence, June 2000, Document, Unicef/ PD/ ED/ 00/ ۰۲

28. Dieter Beiter ,Klaus, The Protection of the Right to Education by International Law: Including a Systematic Analysis of Article 13 of the International Covenant

introduction to the world on theoretical issues, concepts, foundations, territory and sources, Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research, 2008.

8. Ghasemi, Mohammad Ali, Minorities in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Strategic Studies Quarterly, Winter 1382.

9. Moin, Mohammad, Farhang Farsi Moin, Tehran Zarin Publishing House, 1386.

10. Mehran, Gulnar, the process of empowering girls and women in Iran's educational system, Journal of Education and Training, No. 87, 2015.

11. Mehrpour, Hossein, International Human Rights System, Tehran, Information Publications, 1377.

12. Niavarani, Saber, The dignity of the right to education in the international system and human rights, Legal Research Journal, No. 52, 2019.

13. Niavarani, Saber, The right to education and the requirements of freedom of conscience: A look at the theory of ethics in Kant's philosophy, Tehran, Shahid Beheshti University Legal Research Quarterly, summer 2013.

14. Hashemi, Mohammad, Human Rights and Basic Freedoms, Tehran, Mizan Publications, 2014.

15. Alan John Mitchell Milne, Human Rights and Human Diversity: an Essay in The Philosophy of Human Rights, Stanford: Sterling Publishing Press, 1986.

16. Arefieva, Marina. Right of Roma to Education: Equal Access در Law and Reality in Central and Eastern Europe (11 Long Thesis, Faculty of Law, Budapest Central European), 2010.

17. Audrey Chapman and Sag Russel (eds). Building a Framework for Economic

- on Economic, Social and Cultural Rights, Hague , Martinus Nijhoff Publishers , 2006.
29. Douglas Hudgson, The Human Right to Education, Michigan, Ashgate Publisher, 1998.
30. Donnelly, Jack., & Howard F. (AA). Assessing National Human Rights Performance: A Theoretical Framework. Human Rights Quarterly, 1998.
31. Duncan Wilson, Human Rights: Promoting Gender Equality in and Through Education, Prospect Journal, volume 34, Num 1.
32. Eide, Asbjørn. Krause, Catarina & Rosas, Allan. (1) Economic, Social, and Cultural Rights: A Textbook. Boston, USA: M. Nijhoff Publishers, 1995.
33. Expanded Commentary on Dakar Framework for Action, World Education Forum Drafting Committee, Paris 23 May 2000. Available at: www.unesco.org/education/efa/ed-for-all/dakfram-eng.shtml
34. Flipe Gomez isa, The Optional Protocol for The Convention on Elimination of All Form of Discrimination Against Women: Strengthening The Protection Mechanism of Women's Human Rights, Arizona Journal of International and Comparative Law, Vol 20, No. 2, 2003.
35. General Comment.No11: Plans of Action for Primary Education (Article 14 of the International Covenant of Economic, Social and Cultural Rights), No 13, P6